



شماره حقوق

شاپا چاپی: ۲۷۸۳-۱۸۴۱
شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۱۹۷۲

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موریس در سال ۱۹۶۵
موسی عاکفی قاضیانی، محمد عاکفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طبیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید ۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدپهراذ میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا بوربور
- شرط ضمان مطلق مستاجر در نگهداری از عین مستاجره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابوالفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده میندی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ابزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم‌انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه

Mostafa Afzali Goroh
PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran

مصطفی افضل‌ی گروه

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، میبد، ایران

m.afzaligoroh@gmail.com
http://orcid.org/0000-0002-4138-9521

Abstract

One of the most important financial rights of a wife is alimony, which, unlike other financial rights, also applies during married life. In Iranian law, the couple is responsible for financing living expenses, which is expressed in the form of alimony, and due to the concept of alimony and the emergence of new needs, the need to examine the relationship between the two is felt more than each other. Changing the lifestyle of women and the family, the emergence of new costs and the growth of legal awareness in the family are issues that show the importance of the alimony debate. From the perspective of Iranian jurisprudence and law, alimony is a financial right for women and obligated persons who, if they have this right, must be entitled to it, so that alimony in the field of financial relations both during marriage and after dissolution. It is used in all stages of life. Under French law, a spouse is responsible for protecting the wife for life, and alimony is an obligation under which one person who has the means is obliged to provide for another person. In this country, the duty of assistance and the obligation to participate in the expenses of marriage form the basis of the alimony relationship between the couple. Since the needs of women today have changed compared to the past, it is necessary for the legislator to amend the laws of the past in accordance with the new needs of the sections of society or.

Keywords: Marriage, Alimony, Marriage, Obedience, Performance Guarantee.

چکیده

یکی از مهم‌ترین حقوق مالی زوجه، نفقه می‌باشد که برخلاف سایر حقوق مالی، در طول زندگی زناشویی نیز جریان دارد. در حقوق ایران، وظیفه تأمین مالی مخارج زندگی بر عهده زوج است که این وظیفه در قالب نفقه بیان شده و با توجه به مفهوم نفقه و ظهور نیازهای جدید، نیاز به بررسی رابطه این دو نسبت به یکدیگر بیشتر احساس می‌شود. تغییر سبک زندگی زنان و خانواده، پدایش هزینه‌های جدید و رشد آگاهی حقوقی در خانواده از مسائلی است که اهمیت بحث نفقه را نشان می‌دهد. از منظر فقه و حقوق ایران نفقه به عنوان یک حق مالی برای زن و افراد واجب‌النفقه می‌باشد که در صورت برخورداری افراد واجب‌النفقه از این حق می‌بایست به آن‌ها تعلق گیرد، به طوری که نفقه در زمینه روابط مالی هم در دوران زناشویی و هم پس از انصراف آن در همه مراحل زندگی کاربرد دارد. در حقوق فرانسه، زوج برای مادام‌العمر وظیفه حمایت از زن را بر عهده دارد و نفقه تعهدی است که طی آن یک نفر که دارای امکانات بوده مکلف به تأمین امرار معاش (نفقه) شخص دیگری می‌باشد. در این کشور، تکلیف معاضدت و یاری و تعهد مشارکت در مخارج ازدواج مبنای رابطه نفقه میان زوجین را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که نیازهای امروز زنان نسبت به گذشته تغییر یافته، لازم است قانونگذار نیز مطابق با نیازهای جدید اقتضای جامعه جهت رفع آن‌ها درصدد اصلاح قوانین گذشته برآید یا در راستای حل این مشکل قوانین جدیدی را وضع نماید.

واژگان کلیدی: نکاح، نفقه، زوجیت، تمکین، ضمانت اجرا.

Received: 2021/05/22 - Review: 2021/06/28 - Accepted: 2021/08/10

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

مقدمه

نفقه از جمله موضوعات متداول و کاربردی در نظام حقوق خانواده است که بخشی از روابط مالی زوجین را به خود اختصاص داده و یکی از نتایج زندگی مشترک زوجین می‌باشد که نه تنها در قرون گذشته بلکه در سال‌های اخیر نیز مورد توجه جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان و سایر علماء علوم انسانی قرار گرفته و زوج با توجه به شرایط مالی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... مکلف به تأمین آن نسبت به همسر خود می‌باشد. حقوق ایران و کلیه نظام‌های حقوقی به سمتی پیش می‌رود که جهت استحکام بخشی به خانواده می‌بایست محوریت زوجه را مدنظر قرار داد و همین امر اهمیت تعلق نفقه به زوجه را روز به روز بیشتر کرده است. به جرأت می‌توان گفت تأمین هزینه زندگی زن توسط مرد بعد از ازدواج یکی از بزرگ‌ترین امتیازات مالی زنان است و به محض آغاز زندگی مشترک زن شایسته بهره‌مندی از این امتیاز خواهد بود. در حقوق ایران مطابق با ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، نان، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی، بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. البته قانون در مورد مخارج زایمان ساکت مانده ولی آن چه که در عرف و شرع معمول است مخارج زایمان نیز بر عهده مرد می‌باشد. مقدار نفقه برابر مقداری است که باعث گذراندن زندگی زوجه شود و آن مقداری است که کفاف تهیه مسکن یا کرایه مسکن، لباس، اثاث‌الیه و غذا را بنماید، در غیر این صورت مرد ترک نفقه نموده که در صورت خودداری زوج راهکارهایی برای الزام به پرداخت آن در نظر گرفته شده و همچنین زوجه در قبال پرداخت نفقه توسط همسر خود مکلف به انجام تعهداتی است که در صورت عدم انجام یا تخلف از آن از حق نفقه محروم می‌گردد و شرع و قانون این اجازه را به مرد می‌دهد که از این تعهد شانه خالی کند. نفقه در حقوق فرانسه یک تکلیف دوجانبه است و مبنای الزام به نفقه را قرابت و حس تعاون اجتماعی می‌دانند و افراد فامیل تعهد دارند به یکدیگر رسیدگی کنند. هرگاه تمام افراد خانواده در حالت فقر و نیازمندی به سر ببرند و کسانی از فامیل نباشند که نفقه دیگران را بپردازند، مسئله انفاق و تعاون عمومی مطرح می‌شود که امروزه در این کشور به صورت نهادینه و قانونمند درآمده است. در قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۷۹۳ این اصل پذیرفته شده که اجتماع باید زندگی افراد نگون بخت را تأمین کند، خواه از طریق تهیه کار و خواه از طریق تأمین وسایل زندگی جهت کسانی که از کار کردن معذور هستند. در حقوق فرانسه، ملاک تعیین نفقه به میزان نیاز متعهدله نفقه و امکانات وی بستگی دارد و چون نیازها و منابع ممکن است تغییر کند لذا میزان تعهد انفاق نیز حتی اگر به طریق

قضایی تعیین شده باشد قابل تغییر است و قاضی باید مجموع امکانات شخص متعهد نفقه را به طوری که نیازهای متعهدله نفقه را پوشش دهد ملاحظه کند.

۱- مفهوم و پیشینه نفقه زوجه

نفقه در اصطلاح حقوقی، صرف و هزینه مایحتاج ضروری افراد واجب النفقه توسط فرد ملزم به انفاق بوده و از جمله این افراد زوجه است که بر سایر افراد واجب النفقه مقدم می‌باشد. مبانی حقوقی حکم وجوب پرداخت نفقه در حقوق ایران در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی می‌باشد که مقرر می‌دارد: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است. قانونگذار در این ماده به طور صریح و بدون ابهام نفقه زوجه را بر عهده مرد قرار داده است (البته در نکاح دائم). قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۱۰۷ به پیروی از نظریات مشهور فقها، نفقه را شامل مجموع نیازمندی‌های زن دانسته و لباس و مسکن را نیز جزء نفقه بر شمرده است نه جدای از آن و مقرر می‌دارد، نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث الیه که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن به خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقص عضو. در این ماده، قانون چند مصادیق نفقه را به عنوان نمونه بیان کرده و تعریف روشن و واضحی را از نفقه بیان نکرده است. برخی حقوقدانان نفقه را چنین تعریف کرده‌اند: چیزی که برای گذراندن زندگی لازم و ضروری باشد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸، ۳۹۳). برخی دیگر گفته‌اند: تمام وسایلی که زن با توجه به سطح فرهنگ، محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۱۸۷). بسیاری از فقهای امامیه تصریح کرده‌اند که مقدار لازم برای نفقه زن، عبارت است از هر چیزی که زن به آن محتاج است از خوراک، پوشاک، منزل، مستخدم، هزینه‌های نظافت و آرایش در حدود عادت و رسوم زنان هم ردیف او در آن شهر (امامی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۴۳۴).

در رابطه با پیشینه تاریخی نفقه می‌توان گفت در روم قدیم دختران و زنان مطلقاً دارای شخصیت حقوقی نبودند و مثل شیء مملوک مورد معامله قرار می‌گرفتند، نه ارث می‌بردند و نه می‌توانستند مالک چیزی بشوند، حتی در برابر شوهر و پدر حق مالکیت و حق انتخاب شوهر نداشتند. پدر هر وقت مصلحتاً می‌دانست، می‌توانست آن‌ها را بفروشد، قرض یا کرایه بدهد و یا حتی بکشد. بدیهی است وقتی از اطلاق عنوان انسان اجتماعی به زن دریغ می‌شود، طبعاً از کلیه حقوق و امتیازات خانوادگی و از آن جمله از حق نفقه محروم خواهد بود. در فرانسه قدیم، پرداخت نفقه یک تکلیف حقوقی نبود و صرفاً بعد اخلاقی داشت و طبعاً هیچ گونه ضمانت اجرایی نیز نداشت تا این که سرانجام در قرن هجدهم به صورت قانونی

لازم‌الاجرا درآمد. در انگلستان نیز وضعیت مشابهی حاکم بود و تا قبل از سال ۱۸۸۲ زوجه مالک هزینه‌های زندگی نمی‌شد. بعدها چند نوع نفقه مشخص گردید تا سرانجام برای اولین بار زن توانست از شوهرش که با وی بدرفتاری کرده بود حق قانونی نفقه را مطالبه کند (فرشتیان، ۱۳۸۸، ۲۸). ایران باستان نیز یکی از متمدن‌ترین دولت‌ها و اقوام تاریخ می‌باشد. اما با این اوصاف، زن قبل از امپراطوری ساسانی از شخصیت حقوقی بهره‌مند نبود و به طور کلی دارای حقوقی نبود و اگرچه تحت سرپرستی و قیمومیت رئیس خانواده بود، ولی از نظر انفاق هیچ گونه حقی بر شوهر نداشت. البته وضعیت زن در ایران دارای فراز و نشیب بوده و بعدها اوضاع رو به بهبود قرار گرفت و زن پاره‌ای حقوق مالی پیدا نمود. با ظهور اسلام و تعلیمات عالی‌ه آن، مردان متوجه شدند که دیگر زن وسیله لذت مرد نیست بلکه موجود زیبا و ظریفی است که هدیه الهی بوده و باید به وی احترام بگذارند. دختر مسلمان در ازدواج آزاد و مخیر است و به او حق داده شده که پس از ازدواج در قبال ابراز صمیمیت و وفاداری به شوهر خود حمایت مالی و پرداخت نفقه‌اش را توقع داشته باشد. بدین ترتیب وظیفه مهمی که در دوران زناشویی متوجه مرد است، همان وظیفه انفاق و تکفل معیشت زن و اولاد است. بدیهی است که دین مبین اسلام، ضعف و لطافت طبیعی زن و نیرومندی و خشونت فطری مرد را مورد ملاحظه قرار داده و زنان را از تأدیه مخارج ضروری خانواده معاف نموده، زیرا دین اسلام بر این عقیده استوار است مکلف نمودن زن به شرکت در تهیه مایحتاج زندگانی مستلزم آن است که زن از کارهای اختصاصی خود نظیر بارداری، وضع حمل، پرورش کودکان و انتظام امور خانه بازماند، بدین جهت زنان را از شرکت در پرداخت هزینه‌های زندگی معاف کرده و نفقه او را بر عهده مرد گذارده است.

۲- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران

شریعت اسلام به لحاظ وضع جسمی و طبیعی زن و مرد، تهیه وسایل معیشت را بر عهده مرد و مبنای آن را ازدواج دانسته و این حقوق و تکالیف را متبعت از ازدواج تلقی نموده است. تأمین هزینه‌های زندگی خانواده بر عهده مرد است. با این که هزینه زندگی زن جزء بودجه خانواده و بر عهده شوهر است، اما مرد حق هیچ گونه سلطه اقتصادی و حق استثمار بر زن را ندارد (مطهری، ۱۳۵۷، ۲۳۰). در کانون خانواده، ریاست خانواده بر عهده مرد بوده و تکلیف وی به پرداخت نفقه از توابع ریاست وی بر خانواده است. این وظیفه ناشی از حکم قانون و مشخصاً ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی است و ریشه قراردادی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۵۷، ۱۵۸). بعضی از حقوقدانان به ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی (تشدید مبنای خانواده) استناد نموده و پرداخت نفقه را از موجبات تشدید مبنای خانواده دانسته و اعتقاد دارند زوج در

اینجا نباید فکر کند که به زوجه احسان می‌کند، بلکه این کار از لوازم تأسیس و صیانت خانواده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۳، ۱۶۲).

در خصوص اموالی که مرد به عنوان نفقه به زن می‌دهد این سوال مطرح است که آیا مرد این اموال را تملیک می‌کند یا به زن اذن در انتفاع می‌دهد؟ اگر تملیک کند، زن حق هرگونه استفاده مالکانه از آن را دارد و اگر استفاده نامتعارف کند و بر اثر افراط و تفریط آن مال را تلف کند، در برابر شوهر مسئولیتی نخواهد داشت. اما اگر مرد اذن انتفاع از مال موضوع نفقه را به همسرش بدهد، یعنی فقط به وی حق استفاده از آن اشیاء داده شود و از تصرفات مالکانه در آن، محروم باشد، زن در صورت استفاده نادرست و تعدی و تفریط در برابر شوهرش مسئول خواهد بود. خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و اشیایی مثل عطر یا صابون، چیزهایی هستند که مصرف آن‌ها باعث تلف شدن عین آن‌ها است. وقتی شوهر، این قبیل اشیاء را به زن می‌دهد، در حقیقت آن را تملیک کرده و زن حق هرگونه تصرفی در آن را دارد. تصرفات زن در اموال موضوع نفقه باید معقول و مشروع باشد و اگر زوجه با صرفه جویی کردن یا کنار گذاشتن اموال و یا استفاده از اموال خویش، مقداری از اشیاء مصرف شدنی را ذخیره کند می‌تواند مالک آن‌ها باشد و زوج حق مطالبه آن‌ها را نخواهد داشت. در صورتی که نفقه زوجه به صورت روزانه داده شود، وی هر روز مالک نفقه آن روز می‌شود و همچنین است اگر نفقه به صورت هفتگی یا ماهانه پرداخت شود، مشروط بر این که شرایط وجوب نفقه تا پایان آن مدت باقی باشد.

اگر مرد مستمراً نفقه زن را پرداخت کند اما در طول روز، هفته یا ماه، به علتی وجوب نفقه از مرد ساقط گردد، مانند این که زن ناشزه شود، زوجه نسبت به مدتی که مستحق نفقه بوده است، مالک نفقه می‌شود اما بقیه را باید مسترد کند. دلیل مالک شدن زن نسبت به اموال مصرف شدنی این است که اولاً، انتفاع از این اموال جدای از ملکیت‌شان نیست؛ زیرا انتفاع از این گونه اموال موجب تلف شدن عین آن‌ها خواهد بود. به همین علت، هنگامی که مرد نفقه زوجه را می‌پردازد، به ظاهر قصد تملیک دارد و همین ظهور عرفی به مالک شدن زوجه تأکید دارد. ثانیاً، تعبیر به «انفقوا» و مانند آن، که در آیات و روایات، مرد را به پرداخت نفقه به زوجه امر می‌کند، ظهور در تملیک دارد. پس در این جا نیز اموال فوق از مالکیت مرد خارج شده و به ملکیت زن در می‌آید، مگر در موارد خاصی که به واسطه دلیل استثناء شده باشد. همچنین، اموالی وجود دارد که استفاده از آن‌ها موجب تلف عین آن‌ها نیست، مثل فرش، لباس، اثاث البیت و غیره. گرچه این اموال پس از استفاده زیاد مستعمل و کهنه می‌شوند ولی تا

مدت ها اصل آن ها باقی می ماند. در این قسمت باید بین منزل و اثاث البیت از یک سو و لباس و وسایل مختص به زن، از سوی دیگر تفاوت قائل شد؛ زیرا دارای احکامی متفاوت هستند. مسکن و اثاث البیت، مورد تملیک زوجه قرار نمی گیرند؛ در حقیقت شوهر آن ها را تملیک نمی کند، بلکه در مورد آن ها به زن اذن در انتفاع می دهد و اجازه استفاده از منفعت آن ها را در روند زندگی زناشویی به زن می دهد؛ مسلم است که زوجه حق تصرفات مالکانه مانند فروش و بخشش آن ها را ندارد و این اشیاء تنها به عنوان امانت در اختیار زوجه قرار می گیرد؛ زوج نیز هرگاه بخواهد می تواند همسر را از استفاده اشیاء فوق محروم سازد؛ مشروط بر این که فوراً از طریق دیگری نیاز همسر را برطرف نماید. درباره لباس بین فقهاء و علما اختلاف نظر وجود دارد، به نظر می رسد، نظریه مالکیت زن بر لباس ترجیح دارد. مستند این ادعاء بازگشت به عرف و عادت است و همچنین این که لباس گرچه ماهیتاً جزء اموال مصرف شدنی نیست اما در عمل این گونه است (امیری، ۱۳۹۲، ۲۷).

حقوقدانان ایران و فقهاء امامیه متفقاً عقد دائم و تمکین را دو شرط وجوب نفقه می دانند. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ تصریح می کند در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است. قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۱۳ در خصوص نفقه همسر موقت مقرر می دارد: در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد. قانون مدنی نیز با این که نفقه را در عقد نکاح موقت منتفی می داند، اما اعتقاد دارد اگر شرط شده باشد یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد، نفقه بر مرد واجب می شود. البته در نکاح موقت، موضوعات نفقه و میزان آن تابع توافق طرفین خواهد بود، زیرا مبنای آن یک قرارداد خصوصی بین طرفین است که شرط ضمن عقد شده و شوهر صراحتاً یا به طور ضمنی در حین ازدواج، متعهد به پرداخت نفقه می شود و چون اصل وجوب این نفقه، ناشی از اراده خصوصی طرفین است، شعاع شمول آن نیز به اراده طرفین بستگی دارد و مسلم است که التزام زوج، به طور ضمنی، متضمن شرط دوم وجوب نفقه (تمکین) نیز بوده است (کاتوزیان، ۱۳۵۷، ۱۷۴).

همان طور که برابر ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی با ایجاد عقد نکاح دائم، نفقه زن به عهده شوهر است و برای او تکلیف می باشد اما این تکلیف همیشگی نیست و با حصول شرایطی تکلیف پرداخت نفقه به زوجه ساقط می شود که نشوز زن یکی از این موارد می باشد. عمده موارد سقوط نفقه عبارتند از: نشوز زوجه، انحلال نکاح، شرایط ضمن عقد و صغیره بودن زوجه (برای شوهر قابل تمتع نباشد). قانونگذار پس از این که پرداخت نفقه زوجه را به موجب موادی از قانون مدنی بر عهده زوج قرار داده است، جهت اجرایی کردن این تکلیف ضمانت اجرای آن را نیز مشخص می کند ضمانت اجرای نفقه زوجه هم در قانون مدنی و هم در قانون مجازات اسلامی توسط قانونگذار بیان شده است. ضمانت اجرای مدنی، که در آن

ابتدا از طریق مراجع قضایی شوهر ملزم به پرداخت نفقه می‌شود و در صورت عدم امکان الزام وی به پرداخت نفقه، وی به طلاق دادن زوجه محکوم می‌گردد. ضمانت اجرای کیفری که در آن با توجه به ماده ۶۴۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجبالنفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید. ذکر این نکته لازم است که ماده ۶۴۲ قانون مذکور، مجازات نمودن زوج را در فرض عدم پرداخت نفقه منوط به دو شرط نموده است؛ اولاً استطاعت مالی زوج و ثانیاً تمکین. از آن جا که تمکین مطلق وظایف شرعی و قانونی را شامل می‌شود، لذا در صورتی که زوجه بدون عذر موجه از ایفای وظایف زناشویی امتناع نماید، نه تنها نمی‌تواند زوج را به خاطر عدم پرداخت نفقه مجازات کند، بلکه مستحق نفقه نیز نخواهد بود. در ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ آمده است هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجبالنفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزائی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی درباره لزوم نفقه در زمان عده رجعی و درباره زن حامله در زمان عده بائن و فسخ نکاح، تصریح دارد، اما درباره عده وفات ماده ۱۱۱۰ می‌گوید در عده وفات، زن حق نفقه ندارد.

۳- آثار نفقه زوجه در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه به علت این که شوهر به صورت مادام‌العمر وظیفه حمایت از زن را به عهده دارد، قانونگذار برای پس از صدور حکم طلاق نیز تکالیفی را برای او و نیز برای زن در نظر گرفته است. حقوق فرانسه تا قبل از سال ۱۹۷۵ برای همسری که حکم طلاق به نفع او صادر شده حق نفقه در نظر می‌گرفت و این انفاق در واقع اجرایی گناهی او و پرداخت آن به منزله مجازاتی برای همسر گناهکار تلقی می‌شد. بند یک ماده ۳۰۱ قانون مدنی فرانسه در مورد مبنا و ماهیت الزام به انفاق پس از طلاق، از یک طرف پرداخت نفقه را یک نوع ادامه وظیفه معاضدت و تعاون دانسته و از طرف دیگر با قید این نکته که کمک هزینه را همسری باید دریافت کند که حکم طلاق به نفع او صادر شده است این امر را با خطای همسر محکوم مرتبط ساخته و برای آن جریمه در نظر گرفته بود. بنابراین طلاق برای همسر بی‌گناه متضمن خسارت مادی بوده که می‌توانسته این خسارت را از طریق پرداخت نفقه جبران نمود. مشکلات مربوط به پرداخت دوره‌ای نفقه و امکان بحث نسبت به مبلغ آن با توجه به تغییرات منابع و

نیازها، قانونگذار ۱۹۷۵ را بر آن داشت که پرداخت‌های جبران‌کننده را جایگزین مستمری نفقه موضوع ماده ۳۰۱ قانون قدیم نماید. البته این مسئله با توجه به انواع مختلف طلاق متفاوت خواهد بود (محسنی، ۱۳۷۹، ۱۳۲).

در حقوق فرانسه شرایط وجوب نفقه را می‌توان چنین برشمرد: وجود رابطه زوجیت، احتیاج متعهده نفقه و امکانات متعهد انفاق. در این کشور، تعهد انفاق یک تعهد قانونی است که از ویژگی نظم عمومی برخوردار و مقررات آن جزء قواعد آمره می‌باشد. این خصوصیت تعهد انفاق، خود آثاری در پی دارد. از آن جایی که الزام انفاق از قواعد امری است و با مصالح اجتماعی ارتباط دارد، مانند بعضی حقوق قابل واگذاری و انتقال نیست. چون مبنای تعهد انفاق ریشه در قرابت دارد و مبتنی بر روابط خانوادگی و به منظور استحکام آن می‌باشد، طبعاً باید شامل کسانی باشد که از نظر قانون، برخوردار از این روابط می‌باشند، بنابراین نمی‌توان آن را مورد معامله و انتقال قرار داد. چنانچه واجب‌النفقه به متعهد انفاق بدهکار باشد، نمی‌توان با آن، بدهکاری نفقه را تهاتر نمود. به منظور تأمین نیازهای متعهده نفقه، تعهد انفاق از یک رژیم ویژه برخوردار و دارای خصیصه غیرقابل توقیف بودن است. به موجب ماده ۲-۱۴ قانون نهم ژوئیه ۱۹۹۱ که شیوه اجرای مدنی را تغییر داده و از اول ژوئیه ۱۹۹۳ به اجرا گذاشته شده، آذوقه (خوربار و مایحتاج) و مستمری نفقه قابل توقیف نیست. البته از این بیان نباید به نفع متعهد انفاق نتیجه گرفت زیرا اگر وی در حالت ملائت از تأدیه نفقه خودداری نماید، متعهده نفقه بر طبق حکم دادگاه می‌تواند نفقه خود را از اموال او استیفاء کند و این حق برای او اصولاً ضروری می‌باشد. با توجه به ویژگی نظم عمومی تعهدات انفاق است که طرفین نمی‌توانند به طور مشخص از مستمری نفقه چشم‌پوشی و صرف‌نظر نمایند. به طور کلی تعهد انفاق، متعهده نفقه را در مقابل متعهد انفاق قرار می‌دهد و چون مبنای نفقه بر روابط خانوادگی استوار گردیده بنابراین باید مطلقاً شخصی باشد. به این معنی که هر فرد به شخصه بتواند از آن استفاده کند و فقط متعهد انفاق است که در این خصوص تکلیف دارد. با این همه در چهارچوب همبستگی خانوادگی، متعهده نفقه ممکن است در مقابل بدهکاران بالقوه زیادی قرار بگیرد، زیرا علاوه بر تعهدات اصلی، تعهدات فرعی دیگری نیز وجود دارد. آن چه از ویژگی شخصی بودن تعهد انفاق نتیجه می‌شود این است که با فوت شخص، تعهد انفاق او نیز از بین می‌رود. با این حال قانونگذار بعضی اوقات برخلاف این اثر حقوقی عمل نموده و تعهد انفاق را بر دیگری تحمیل نموده است. ماده ۲-۲۷۶ قانون مدنی فرانسه فرضی را پیش‌بینی می‌کند که چنانچه همسر متعهد فوت نماید، مسئولیت او از زمان پذیرش ترکه به ورثه منتقل می‌شود. بر طبق ماده ۲۰۸ قانون مدنی نفقه بر اساس نیاز متعهده و امکانات متعهد پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر نفقه با ثروت

متعهد انفاق متناسب خواهد بود. بنابراین اگر شرایط جدیدی موجب تغییر موقعیت اقتصادی متعهد و متعهدله نفقه شود، ماده ۲۰۹ قانون مدنی امکان بازبینی در مستمری نفقه را اجازه می‌دهد. صرفنظر نمودن از بازبینی در مستمری نفقه باطل می‌باشد. زیرا امکان بازبینی از موارد مربوط به نظم عمومی است، چه برای مستمری نفقه قانونی یا قراردادی. مبنای زوجین در نفقه هرچه باشد مستمری نفقه قابل بازبینی است به شرط پیش آمدن شرایط جدیدی که تحت آن شرایط قاضی بتواند تصمیم به بازبینی مستمری نفقه نماید چه به صورت افزایش یا کاهش آن. در کشور فرانسه، قاضی صالح برای تعیین مستمری بازبینی شده، قاضی دادگاه خانواده است که در قانون سوم ژانویه ۱۹۹۳ مشخص گردیده است. تصمیم دادگاه در این خصوص اعتبار امر قضاوت شده را ندارد و فقط ظهور یک پدیده جدید محتوی تغییر امکانات و نیازهای مربوط به طرفین حق اقامه دعوی تغییر و بازبینی مستمری نفقه را ایجاد می‌کند (محسنی، ۱۳۷۹، ۹۷).

در کشور فرانسه تعهد انفاق یک تعهد دوطرفی بوده و بحث تمکین و نشوز به صورتی که در حقوق ایران بررسی شد قابل طرح نیست. اما چنانچه همسری که متعهدله نفقه است در تکالیف خود کوتاهی کند مقام قضایی برای تعیین مستمری نفقه مبلغ کمتری تعیین خواهد نمود و حتی ممکن است حکم به سلب حق نفقه نیز بدهد.

در حقوق فرانسه مواردی پیش‌بینی شده که به موجب آن نفقه ساقط می‌شود. مهم‌ترین این موارد عبارتند از: الف - اسقاط حق نفقه توسط متعهدله: در نظام حقوقی ایران و فرانسه، نفقه آینده قابل اسقاط نیست ولی متعهدله نفقه می‌تواند ذمه همسر خود را از نفقه گذشته ابراء نماید. ب - سقوط نفقه به دلیل خطای متعهدله: بر اساس بند اول ماده ۲۰۷ قانون مدنی فرانسه هرگاه متعهدله نفقه از تعهدات خودش در برابر متعهد انفاق شانه خالی کند قاضی می‌تواند متعهد انفاق را از تمام یا قسمتی از تعهداتش مبرا سازد. این مقرر در قانون سوم ژانویه ۱۹۷۲ قاعده سلب حق نفقه را به تمام موارد تعهد انفاق متقابل تسری و تعمیم داده است. ج - مرور زمان: اصولاً طبق قواعد عام به موجب ماده ۲۲۷۷ قانون مدنی، مرور زمان دعوی پرداخت مستمری نفقه گذشته، پنج سال است (مرور زمان مسقط حق). ولی رویه قضایی قاعده‌ای جدید وضع کرده که به موجب آن حقوق‌های ماهانه متعدد نفقه قابل جمع نمی‌باشند. به هر حال پس از انقضاء مدت زمانی که مشمول مرور زمان قرار بگیرد، نفقه گذشته ساقط و اقامه دعوا غیرممکن می‌گردد. در رابطه با نفقه زوجه پس از وفات شوهر در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱-۲۷۰ قانون مدنی، تعهد انفاق بر ماترک همسر متوفی به نفع همسر بازمانده برقرار می‌شود که وی می‌تواند اجرای آن را ظرف مهلت یک سال مطالبه

کند. البته این در صورتی است که همسر بازمانده محتاج باشد. این نفقه از ارث پرداخت می‌شود و بر عهده تمام وراث است که تنها به خاطر ارتباط شان با اموالی که ارث را تشکیل می‌دهد، موظف به چنین تکلیفی هستند. این تعهد متفاوت از سهم الارث همسر می‌باشد و با حقوق ارثیه قابل جمع است. تقسیم ارث و استحقاق سهم الارث باعث از بین رفتن حق نفقه نمی‌باشد. برای تعیین مبلغ این نفقه، قاضی بدوی باید نیازهای متعده و میزان ترکه را در تاریخ قضاوت ملاحظه کند. مستمری پس از فوت شوهر تابع رژیم حقوقی نفقه بوده و به این جهت قابلیت کاهش (تعديل) و حذف را در شرایطی که متعده نفقه از منابع جدیدی برخوردار شود، دارا است.

در حقوق فرانسه برای تعهد انفاق از دو جهت ضمانت اجرا وجود دارد. یکی از حقوقدانان این کشور (کاربونیه) دو ضمانت اجرای مزبور را چنین بیان می‌کند: الف- اگر یکی از زوجین در انجام تعهد خود در مشارکت در هزینه‌های زندگی کوتاهی نماید طرف مقابل مانند هر متعده دیگری می‌تواند او را از طریق توقیف اموالش مجبور به اجرای تعهد نماید. قانون برای روابط نفقه‌ای بین زوجین مقررات توقیفی خاص، توقیف حقوق نزد شخص ثالث که ناشی از کار یا عواید دیگر باشد پیش‌بینی کرده است (ماده ۲۱۴ قانون مدنی و ۸۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه). این راه حل از نظر اجتماعی مربوط است به وضعیت شخص حقوق بگیر که حقوق خود را به جای صرف در جهت نیازهای زندگی، حیف و میل می‌کند. دادگاه می‌تواند به همسر چنین شخصی اجازه بدهد که از کارفرمای وی قسمتی از حقوق او را که متناسب با نیازهایش و نیازهای فرزندانش باشد به طور مستقیم دریافت کند. این شیوه که به نام پرداخت مستقیم نفقه مطرح می‌شود از مباحث مهم در باب نفقه است. ب- قصور یکی از زوجین در تکلیف معاضدت خود دارای ویژگی توهین می‌باشد و به همین دلیل می‌تواند علت طلاق باشد. در حقوق فرانسه تخطی از وظایف و تعهدات مثل تکلیف معاضدت می‌تواند مشمول این عنوان قرار بگیرد و در نتیجه منجر به طلاق شود. بنابراین دو نوع ضمانت حقوقی وجود دارد: الزام به پرداخت (به صورت ویژه: پرداخت مستقیم) و تقاضای طلاق. همچنین برای ضمانت اجرای کیفری نفقه سه شرط باید تحقق یابد: وجود طلب تعیین شده در یک تصمیم قضایی، امتناع از پرداخت کامل در طول بیش از دو ماه و ارادی بودن امتناع از پرداخت.

نتیجه

در حقوق ایران به منظور استحکام نظام جامعه و حتی محیط پیرامون آن خصوصاً نهاد مقدس خانواده، حقوق و وظایفی متوجه افراد شده است. از جمله این حقوق، حقوق مالی است که افراد جامعه

خصوصاً اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند و افراد تحت شرایطی مکلف به پرداخت آن هستند و صراحت آیات و روایات به این مطلب دلالت می‌کند. نفقه زوجه یک تکلیف مالی است که همه فقهای اسلامی و حقوقدانان ایران در اصل نفقه اتفاق نظر دارند و یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین امتیازات زوجه بوده و در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی زوجه بعد از نکاح است که زوج متعهد به پرداخت آن می‌شود و البته عدم پرداخت آن نیز یکی از عوامل مؤثر در فروپاشی کانون خانواده محسوب می‌گردد. در حقوق ایران تکلیف پرداخت نفقه یک تکلیف یک جانبه محسوب می‌شود و تنها زوج مکلف به پرداخت نفقه به زوجه می‌باشد، در حالی که در حقوق فرانسه وضعیت نفقه به گونه دیگری می‌باشد و یک تکلیف دوجانبه است. طبق موازین حقوقی ایران، چنانچه زوج از پرداخت نفقه زوجه استنکاف ورزد، حاکم وی را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند و یا از اموال وی نفقه زوجه و فرزندان را تأمین می‌نماید و عدم پرداخت نفقه تحت شرایطی می‌تواند باعث ایجاد حق طلاق برای زوجه شود. در حقوق ایران زوج ابتدا ملزم به پرداخت نفقه زوجه بوده و پس از آن در صورت وجود مازاد، موظف به پرداخت نفقه اقارب می‌باشد و نفقه زوجه مقدم بر نفقه اقارب است. به نظر می‌رسد در میزان و مقدار نفقه باید موقعیت و وضع مالی شوهر مورد نظر باشد، زیرا زوجین پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند. بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند مرد حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین نفقه قرار دهد. همچنان که اگر زوجه ثروتمند با شخصی که وضع مالی ساده‌ای دارد ازدواج کند نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد. اگر زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق دریافت نفقه از همسرش نیست و با توجه به تغییرات سریع و پیدایش نیازهای جدید، بهترین ملاک و معیار در میزان و نوع و مقدار نفقه تابع عرف زمان و مکان می‌باشد. همچنین نشوز نیز مانع استقرار نفقه زوجه خواهد بود و اگر زوجه تمکین از شوهر نداشته باشد مستحق نفقه نیست. در حقوق فرانسه نیز هرگاه متعهدله نفقه از تعهدات خودش در برابر متعهد انفاق شانه خالی کند قاضی می‌تواند متعهد انفاق را از تمام یا قسمتی از تعهداتش مبرا سازد. در این کشور نفقه بر اساس نیاز متعهدله و امکانات متعهد پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر نفقه با ثروت متعهد انفاق، متناسب خواهد بود. بنابراین اگر شرایط جدیدی موجب تغییر موقعیت اقتصادی متعهد و متعهدله نفقه شود، قانونگذار امکان بازبینی در مستمری نفقه را اجازه می‌دهد و قاضی صالح برای تعیین مستمری بازبینی شده، قاضی دادگاه خانواده است. اگرچه در قوانین ایران نسبت به پرداخت نفقه تأکید فراوان شده تا زوج ملزم به پرداخت حقوق شرعی و قانونی خود باشد، اما

در صورت عدم تمکین مطابق با ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی اجازه داده شده از پرداخت نفقه خودداری کنند. با این حال موارد زیادی وجود دارد که با توجه به آن‌ها در حالی که زوجه از همسرش تمکین نمی‌کند مستحق نفقه است که از آن‌ها می‌توان به عذرهای موجه زن و حق حبس اشاره کرد. رها ساختن زوجه بدون نفقه در زمان پس از طلاق یا فوت شوهر با توجه به وضعیت فرهنگی امروزه، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند که نیازمند پیشگیری بوده و در زمینه مسائل مربوط به خانواده و روابط زوجین اصولاً باید حکومت اخلاق را پذیرفت.

منابع

- امامی، سیدحسن، ۱۳۷۷، **حقوق مدنی**، جلد چهارم، چاپ پانزدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- امیری، محمد، ۱۳۹۲، **مطالعه تطبیقی نفقه زوجه در حقوق ایران، مصر، عراق و لبنان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۵۳، **حقوق خانواده**، دوره متوسط حقوق مدنی، تهران، چاپخانه حیدری.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، ۱۳۷۸، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- فرشتیان، حسن، ۱۳۸۸، **نفقه زوجه: پژوهش تطبیقی حقوق مدنی ایران و سایر نظام‌های حقوقی**، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب قم.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۵۷، **حقوق مدنی خانواده**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، **حقوق مدنی خانواده**، چاپ اول، تهران، نشر یلدا.
- محسنی، سعید، ۱۳۷۹، **نفقه زوجه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فرانسه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع).
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا.

قوانین

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

- قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۷۹۳

- قانون مدنی فرانسه

- قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marziyeh Fathi Bornaaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh